



چگونه فیلترینگ، چاشنی سقوط دولت شد؟

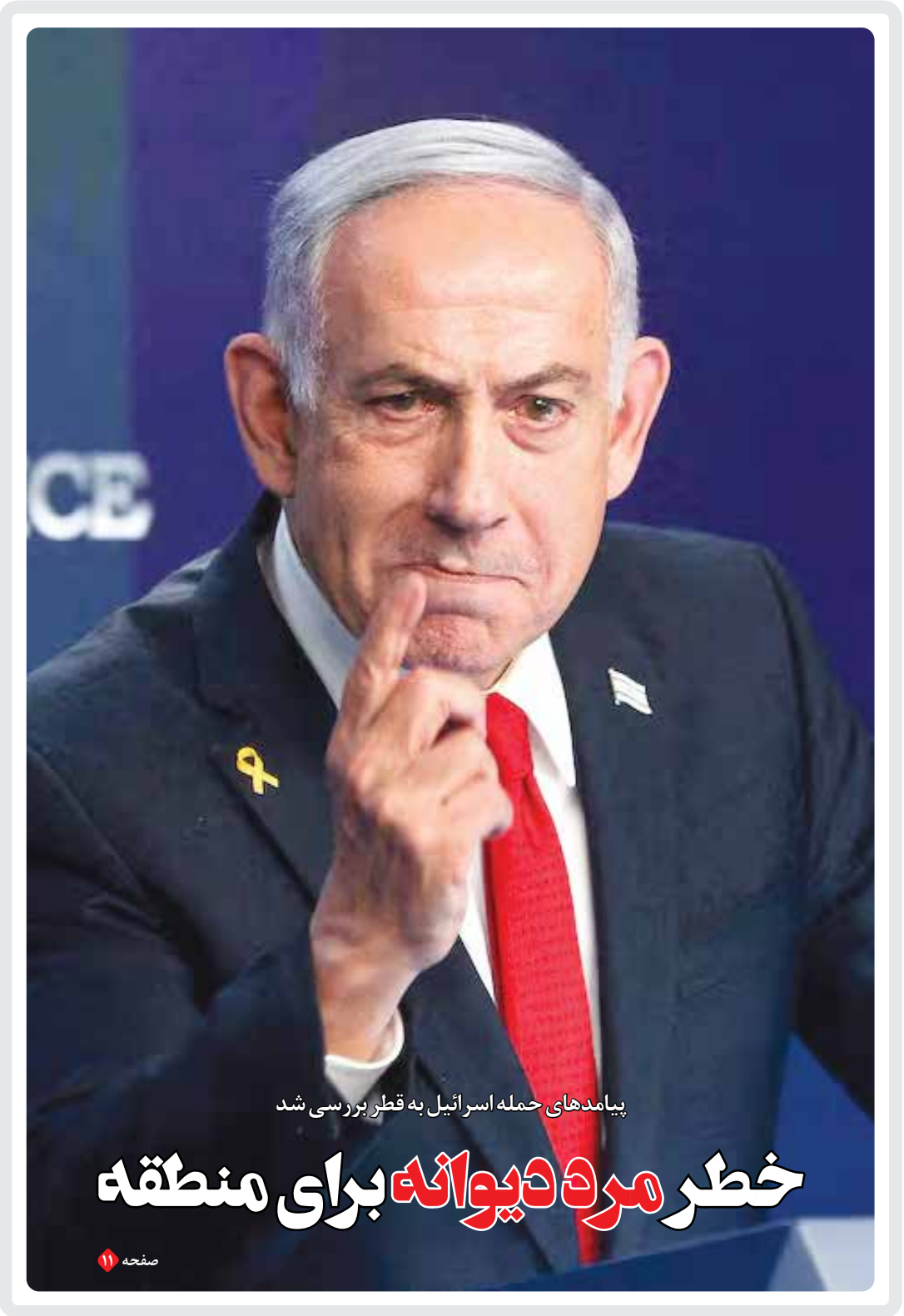
درس نپال برای عصر دیجیتال

گروه سیاسی – در کمتر از یک هفته، نپال شاهد سقوط دولت و تولد یک «دموکراسی دیجیتال» بود؛ جایی که تصمیم‌گیری‌های سیاسی نه در پارلمان، بلکه در سرورهای دیسکورد صورت گرفت. جوانانی که پیش‌تر در فضای مجازی علیه فساد فریاد زده بودند، اکنون سرنوشت کشور را با رأی آنلاین رقم می‌زنند. تاریخ نپال در تضادی خیره‌کننده از آتش و نور بازنویسی شد. در کاتماندو، شعله‌های آتش، «سینگا دربار»، مقر نمادین دولت را در خود فرو می‌برد؛ نمادی از فروپاشی یک نظم سیاسی فرسوده و فاسد. همزمان، در فضایی به دور از دود و خاکستر و در اپلیکیشنی که در اصل برای گیم‌ها طراحی شده بود، رهبر جدید ملت نه در اتاق‌های دربسته توسط نخبگان سیاسی، که با رأی هزاران جوان انتخاب می‌شود. این گزارش، خلاصه داستان آن هفته سرنوشت‌ساز در نپال است: رویارویی یک دموکراسی آسیب‌پذیر با نسل جدیدی که از فناوری و اجتماعات آنلاین به عنوان ابزار قدرت سیاسی خود استفاده می‌کند.

دولت کی. پی. شارما اولی، نخست‌وزیر وقت، در کمتر از ۶۰ ساعت پس از اوج‌گیری اعتراضات، با سرعتی بی‌سابقه سقوط کرد.

اما آنچه پس از آن رخ داد، بی‌سابقه‌تر بود. در یک اقدام شگرف از دموکراسی مستقیم و دیجیتالی، اعضای یک سرور دیسکورد با بیش از ۱۳۰ هزار عضو، «سوشیال کارکی»، قاضی‌القضات سابق ۷۳ ساله نپال را به عنوان نخست‌وزیر موقت برگزیدند. این انتخاب که تمام نهادهای سیاسی سنتی را داور می‌زد، نه یک شورش کور، بلکه یک جابجایی حساب‌شده در مکانیک قدرت بود.

شرح درصفحه ۲



حمله اسرائیل به قطر؛ جرقه ائتلافی جدید به سود ایران

روابط دیپلماتیک نیست، اما حامل پیامی روشن است: معادله سنتی که یک «محور عربی طرفدار آمریکا» را الزاماً برابر با «محور ضدایرانی» می‌نشاند، دیگر بدیهی به نظر نمی‌رسد. گرم‌تر شدن مناسبات تهران و قاهره به واشنگتن و تل‌آویو یادآور می‌شود که زمان بازنگری در محاسبات راهبردی فرا رسیده است.

حمله اسرائیل به قطر می‌تواند راهبرد دیرینه واشنگتن در خلیج فارس را بیش از هر زمان دیگری تضعیف کند و حتی برای ایران دستاوردهایی سیاسی و غیرمنتظره به همراه آورد. بسیاری از دولت‌های منطقه این اقدام را چنین تفسیر کردند که اسرائیل با قطر، کشوری که آمریکا آن را «متحد اصلی غیرناتویی» خود می‌داند همان‌گونه رفتار کرده که با ایران، سوریه یا لبنان به مثابه «منطقه‌ای آزاد برای آتش» که هر لحظه و به هر بهانه‌ای می‌توان هدف قرار داد.

موج واکنش‌ها نیز بی‌سابقه بود. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، نه در دقیقه‌های اولیه داد که تمام ظرفیت‌های پادشاهی برای دفاع از قطر در آماده‌بود قرار دارد. محمد بن زاید، حاکم امارات، با سفر فوری به دوحه همبستگی خود را ابرار کرد و هندار داد که توافق صلح با اسرائیل ممکن است در معرض خطر قرار گیرد. هم‌زمان، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، در تماس تلفنی با امیر قطر بر حمایت تهران تأکید کرد. این رشته تحولات فضایی کم‌سابقه از همبستگی عربی پدید آورده است؛ فضایی که در آن ایران نه به‌عنوان مزاحم یا تهدید، بلکه به‌عنوان یکی از قربانیان حملات اسرائیل دیده می‌شود و می‌تواند جایگاه سیاسی جدیدی برای خود رقم بزند.

چنین «شراکت سرنوشت» را نمی‌توان به‌معنای اتحاد نظامی یا پیمانی استراتژیک دانست، اما بی‌تردید نشانه‌ای از شکافی عمیق در جایگاه ایالات متحده در خاورمیانه است. اگر قدرتمندترین کشور جهان نتواند امنیت نزدیک‌ترین شرکای خود را تضمین کند یا در برابر «سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و مالی» آنان بازدهی متناسب ارائه دهد، طبیعی است که این کشورها به طراحی راهبردهای دفاعی تازه روی آورند. پیامدها آشکار است: در سناریوی خوش‌بینانه، ترامپ ناگزیر خواهد شد برای مهار رفتار اسرائیل سیاستی مشخص تدوین کند تا اعتماد شرکای عربی‌اش را از دست ندهد. اما در سناریوی بدبینانه، اسرائیل به‌جای ایران در جایگاه «تهدید اصلی امنیت منطقه» قرار خواهد گرفت و محور ضدایرانی جای خود را به محوری ضداسرائیلی خواهد داد؛ تحولی که قادر است معادلات خاورمیانه را از بنیاد دگرگون کند.

منفعتی داشته باشد به زیانش تمام می‌شود، راهبرد جدیدی را برگزید: چرخش به سوی روسیه و چین از رهگذر امضای توافق‌های بلندمدت همکاری. همزمان، سیاست «صفر مشکل» با همسایگان عرب به جریان افتاد؛ تا اوایل ۲۰۲۳ روابط دیپلماتیک ایران با امارات قطر، شریک در میدان‌های عظیم گازی خلیج فارس، عمق بیشتری یافت.

تمام این تحرکات بر یک فرض کلیدی استوار بود: بهره‌گیری از نفوذ کشورهای عربی در واشنگتن به‌عنوان سپری سیاسی در برابر فشارها و حملات احتمالی آمریکا و اسرائیل. در همین چارچوب، عمان، قطر، امارات و حتی عربستان هرچند غیررسمی نقش میانجی میان تهران و واشنگتن در پرونده هسته‌ای را بر عهده گرفتند. به این ترتیب، شبکه‌ای از دولت‌های «ذنی‌ففع» شکل گرفت که اگرچه متحد ایران به شمار نمی‌آمدند، اما می‌توانستند وزنه‌ای در برابر لابی اسرائیل ایجاد کنند.

قاهره در مرکز بازی هسته‌ای ایران؛ خاورمیانه دیگر تماشاگر نیست

از این منظر، جای شگفتی ندارد که توافق اخیر درباره بازرس‌های هسته‌ای نه در وین یا رم، بلکه در قاهره امضا شد. انتخاب مصر، بزرگ‌ترین کشور عربی با روابط امنیتی عمیق هم با واشنگتن و هم با تل‌آویو حامل پیامی راهبردی بود: اینکه خاورمیانه دیگر نمی‌خواهد صرفاً ناظر باشد، بلکه سودای بازیگری محوری در مدیریت بحران هسته‌ای ایران را در سر دارد.

قاهره در سیاست خارجی به شتاب شهرتی ندارد؛ همواره آهسته، محتاط و مرحله‌به‌مرحله گام برمی‌دارد. این کشور آخرین دولت عربی بود که روابط خود را با آنکارا احیا کرد، دیرتر از دیگران قطر را پس از بحران محاصره دوباره به آغوش عربی بازگرداند و هنوز هم در گشودن درها به سوی دمشق تحت حاکمیت احمد الشرع با تردید پیش می‌رود. مناسبات با تهران نیز همین مسیر تدریجی را پی‌موده است: «پیشرفتی آرام، محتاطانه و حساب‌شده.»

بااین‌حال، نشانه‌هایی از تغییر به چشم می‌خورد. نقطه عطف در ژوئن گذشته و تنها ده روز پیش از حملات اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران رقم خورد؛ زمانی که عباس عراقچی در قاهره در کنار همتای مصری خود ایستاد و اعلام کرد: «دیگر هیچ مانعی میان اسرائیل شکل گیرد و ایران در قامت تهدید مشترک منطقه‌ای خود کرد. در هیچ زمان دیگری وجود نداشت.» این سخنان لزوماً به معنای گشایش فوری

مطرح می‌شود که تنها چند هفته پیش مجلس قانونی را تصویب کرده بود که هرگونه همکاری با آژانس را ممنوع می‌کرد؛ قانونی که به انتقال اطلاعات محرمانه به اسرائیل استناد داشت. اکنون عباس عراقچی، وزیر خارجه می‌گوید توافق جدید در تعارض با مصوبه مجلس نیست، چراکه اجرای آن مشروط به تأیید شورای امنیت سازمان ملل بوده و این تأیید نیز صادر شده است. دو مانع اساسی همچنان بر جای خود باقی مانده است: تهران بر حق غنی‌سازی در خاک خود پافشاری می‌کند و از واشنگتن تضمینی کتبی می‌خواهد که در طول گفت‌وگوها از هرگونه اقدام نظامی پرهیز کند. اما ترامپ تاکنون هر دو مطالبه را رد کرده است؛ آن هم در حالی که خارطه فرمان شخصی او برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران درست پس از پایان همان مهلت دوماهه‌ای که تعیین کرده بود هنوز چون سایه‌ای سنگین بر سر مذاکرات سنگینی می‌کند.

عملیات اسرائیل در دوحه، چتر امنیتی آمریکا را بی‌اعتبار کرد

حمله اسرائیل به رهبران حماس در قلب دوحه، پایتخت کشوری که از نزدیک‌ترین متحدان نظامی آمریکا در خلیج فارس به شمار می‌رود بار دیگر به همگان یادآوری کرد که تضمین‌های واشنگتن بدون هماهنگی با تل‌آویو، اعتباری ندارد. واکنش خشمگین ترامپ به این عملیات، که صریحاً اعلام کرد در صورت مشورت مخالفت می‌کرد، پیامی روشن در بر داشت: حتی رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز توان مهار متحد اسرائیلی خود را ندارد. از همین رو، نه‌تنها تهران، بلکه بسیاری از دولت‌های منطقه به این جمع‌بندی رسیدند: که «چتر امنیتی آمریکا» کمتر از هر زمان دیگری قابل اتکاست.

این برداشت ریشه در دکتترین دیرینه خلیج فارس دارد؛ الگویی که بر اساس آن، کشورها در ازای پرداخت «بهای امنیت» از خرید انبوه سلاح‌های آمریکایی گرفته تا سرمایه‌گذاری هزاران میلیارد دلاری در اقتصاد ایالات متحده و همسویی سیاسی با غرب انتظار داشتند و واشنگتن امنیت آنان را تضمین کند. همین منطق بود که نهایتاً به توافق‌نامه‌های ابراهیم انجامید؛ ابتکاری که در اوج نخستین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ طراحی شد تا ائتلافی دفاعی میان آمریکا و کشورهای عربی با مشارکت اسرائیل شکل گیرد و ایران در قامت تهدید مشترک تعریف شود. اما تحولات اخیر این محاسبه را بر هم زد و تهران را ناگزیر به بازنگری در راهبرد منطقه‌ای خود کرد. تهران پس از آنکه دریافت اتکا به آمریکا بیش از آنکه

در میانه حمله اسرائیل به رهبران حماس در دوحه، توافقی مهم میان ایران و آژانس در قاهره امضا شد؛ توافقی که بازگشت بازرسان به تأسیسات هسته‌ای و شروط سه‌گانه اروپا را دربر دارد و می‌تواند مسیر گفت‌وگوهای تهران-واشنگتن را باز کند. همزمان، حمله اسرائیل به قطر مشروعیت چتر امنیتی آمریکا را زیر سؤال برد و موجی از همبستگی عربی ایجاد کرد. نزدیکی تهران و قاهره و تغییر موازنه‌ها، نویدگر خاورمیانه‌ای جدید است که در آن اسرائیل بیش از ایران به‌عنوان تهدید امنیتی دیده می‌شود.

به گزارش فرارو به نقل از روزنامه هارآتس، سه‌شنبه، در همان لحظاتی که رادارهای آمریکایی در قطر پرواز جنگنده‌های اسرائیلی را در مسیر حمله به رهبران حماس در دوحه ثبت می‌کردند، نشستنی مهم در قاهره جریان داشت؛ جلسه‌ای که از نگاه بسیاری در منطقه و جهان پنهان ماند. در این نشست عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران و رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توافقی امضا کردند که می‌تواند فصلی تازه در پرونده هسته‌ای بگشاید؛ گامی که مسیر ازسرگیری گفت‌وگوهای ایران و آمریکا را هموار می‌کند. تهدید تحریم‌های سخت‌تر را مهار می‌کند و حتی زمینه‌های روابط دیپلماتیک میان تهران و قاهره را فراهم می‌آورد. **بازگشت بازرسان به تأسیسات هسته‌ای ایران؛ توافقی با شروط سه‌گانه اروپا**

بر پایه توافقی که هنوز تمامی مفاد آن فاش نشده است، ایران پذیرفته بار دیگر درهای تأسیسات هسته‌ای خود را به روی بازرسان آژانس بگشاید؛ حتی آن دسته از سایت‌هایی که در حملات ماه ژوئن آمریکا و اسرائیل هدف قرار گرفته بودند. توقف بازرس‌ها درست پس از همان حملات رخ داد و به یکی از کانون‌های اصلی تنش میان تهران و غرب تبدیل شد. اکنون اما، ازسرگیری بازرس‌ها تنها یکی از بخش‌های بسته‌ای است که اروپایی‌ها روی میز قرار داده‌اند. تروئیکا غربی یعنی آلمان، بریتانیا و فرانسه در ازای تعویق تحریم‌های فعال‌سازی مکانیزم بازگشت تحریم‌ها، سه درخواست را مطرح کرده‌اند: بازگشت کامل بازرسان آژانس به همه مراکز هسته‌ای ایران، ارائه گزارشی دقیق درباره سرنوشت ۴۰۴ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با غنای ۶۰ درصد و آغاز دوباره گفت‌وگوی مستقیم با ایالات متحده و مطالبه کرده‌اند.

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، توافق جدید را «چارچوبی روشن» برای ازسرگیری بازرس‌ها خواند، هرچند تأکید کرد که بخش‌های فنی همچنان نیازمند مذاکره است. این موضع‌گیری در حالی

خبر	
اسماعیلی:	
تنش‌های بسیاری که قبلاً بین دولت و مجلس بود، دیگر وجود ندارد	
معاون راهبردی و پارلمانی رئیس‌جمهوری با بیان اینکه امروز هماهنگی میان قوا در وضعیت بی‌نظیری قرار دارد، تأکید کرد: اکنون بسیاری از تنش‌ها و اصطکاک‌هایی پیشین بین دولت و مجلس وجود ندارد و بهترین زمان برای گفت‌وگو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های یکدیگر است. به گزارش ایسنا، محسن اسماعیلی در دیدار با رئیس و معاونان مرکز پژوهش‌های مجلس با تأکید بر لزوم همکاری‌های مشترک گفت: می‌خواهیم مرکز پژوهش‌های مجلس استفاده کردهام. بسیاری از این گزارش‌ها می‌تواند ظرفیت‌های پژوهشی فراوانی در کشور وجود دارد، اما بهره‌وری لازم فراهم نمی‌شود؛ باید تلاش کنیم تحقیقات انجام‌شده در بخش‌های مختلف جنبه عملیاتی و اجرایی بگیرد. وی افزود: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و تعامل ارزشمندی داشته باشند که استمرار این همکاری‌ها نتایج بزرگی به همراه خواهد داشت. معاون راهبردی رئیس‌جمهوری اظهار کرد: طی سال‌های گذشته از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس استفاده کردم. بسیاری از این گزارش‌ها می‌تواند کمک بزرگی به دولت باشد تا با سرعت بیشتری اجرایی شود، چراکه بلافاصله در اختیار رئیس‌جمهوری و دیگر اعضای دولت قرار می‌گیرد. وی با بیان اینکه باید سازوکاری مشخص و مدون برای همکاری مشترک میان دو نهاد تعریف شود، تأکید کرد: شخص رئیس‌جمهوری در این زمینه همراهی جدی دارند و برای نظرات کارشناسی اهمیت زیادی قائل هستند. از سوی دیگر دولت نیز موضوعاتی دارد که نیازمند همراهی مجلس است و مرکز پژوهش‌ها می‌تواند فهم مشترک میان دولت و قوه مقننه را ایجاد و تقویت کند. اسماعیلی تصریح کرد: اگر ظرفیت‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک و مرکز پژوهش‌های مجلس با یکدیگر تلفیق شود، بی‌شک در بسیاری از امور شاهد تحولات مثبت خواهیم بود. وی ادامه داد: امروز هماهنگی میان سه قوه در وضعیت بسیار مطلوب و حتی بی‌نظیری قرار دارد. اکنون بسیاری از تنش‌ها و اصطکاک‌هایی که قبلاً بین دولت و مجلس وجود داشت، وجود ندارد. این بهترین زمان برای گفت‌وگو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های یکدیگر است.» معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری تأکید کرد: در صورت نیاز باید توافق‌نامه سیاستی با کارگروه مشترک ایجاد کنیم. دسترسی به داده‌های یکدیگر امتیاز بزرگی است که آثار آن در عرصه عمل نمایان خواهد شد و آثار مثبت فراوان برای کشور به همراه خواهد داشت. رصد مشترک و نگاه مشترک به مسائل کشور باعث می‌شود راه‌حل‌های مشترک اراده کنیم. این موقعیت بی‌نظیری است که باید از آن بهره‌مند شویم چرا که مسیر حل مسائل نظام را کوتاه می‌کند. معاون رئیس‌جمهوری افزود: مجموعه مراکز پژوهشی حاکمیتی باید انسجام یابند و از همدلی و همفکری به همکاری برسند. از موضوعات مهم چابک‌سازی دولت و بازنگری در بودجه کل کشور است که هم روسای قوای مجریه و مقننه بر آن اتفاق نظر دارند و هم مقام معظم رهبری بر آن مهر تأیید زده‌اند چرا که اگر بودجه درست مدیریت شود و سازوکار رسیدگی به بودجه و عملیاتی و هدفمندکردن هزینه‌ها صورت بگیرد اتفاق‌های خوبی در کشور رخ می‌دهد. معاون راهبردی رئیس‌جمهوری تدوین نظام تصمیم‌سازی و مدیریت بحران را از دیگر مصادیق نیازمند به همکاری برشمرد و گفت: مطالعات خوبی در معاونت راهبردی در این زمینه انجام شده که هم اختیارات دولت محفوظ باشد و هم نظارت مجلس برقرار شود. اسماعیلی توجه به موضوع تشکل‌های اجتماعی و محله‌محوری در حکمرانی را از دیگر اولویت‌های مطالعات مشترک خواند و گفت: این پژوهش‌ها به‌سرعت می‌تواند منتج به تصمیم و به‌عنوان راه حل مشترک عرضه شود. در این نشست بابک نگاهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با بیان اینکه هدف این نشست تقویت تعامل و همکاری است، گفت: تعاملات علمی و گفت‌وگوهای مشترک میان قوا، مجالدلات سیاسی را کاهش می‌دهد. هرچه بیشتر درباره مسائل کشور گفت‌وگو کنیم و ارتباط بگیریم و راه‌حل‌های مشترک بیابیم، زمینه رسیدن به اهداف مشترک فراهم‌تر خواهد شد و با اطمینان خاطر بیشتری تصمیم‌گیری‌شده و به سمت حل سریع مسائل کشور خواهیم رفت.	